

در نشست کارگروه بازطراحی نظام آمایش آموزش عالی مبتنی بر برنامه هفتم مطرح شد

اصل ۳۰ قانون اساسی

می تواند عرصه رقابت دانشگاه ها شود



زهرا رهامانی
رئیس مرکز پژوهش های
تحقیقاتی مرکز پژوهش های
دانشگاه های کشور

دانشگاه های کشور امروز با چالش های مختلفی از کمبود بودجه گرفته تا جمعیت فارع التحصیلان بیکار، قدیمی بودن سرفصل ها و تحولات سریع فناوریانه روبه رویند. وضعیتی که لزوم تحول در نظام

آموزش عالی کشور را هر روز بیشتر از قبل می کند؛ چراکه تداوم این مسیر نه تنها نمی تواند گره ای از مشکلات فعلی باز کند؛ بلکه می تواند گره های جدیدتری را هم اضافه کند. در این میان یکی از راه های رسیدن به این تحول تغییر نگاه به اصل ۳۰ قانون اساسی است که حتما می تواند سهم بسزایی در رسیدن به مسیرهای برون رفت از وضعیت امروز دانشگاه ها داشته باشد. واقعیت آن

رویکرد پذیرش دانشجو بر اساس تقاضای اجتماعی اصلاح شود

غلامرضا گرابی نژاد، پژوهشگر مرکز پژوهش های توسعه و آینده نگری سازمان برنامه و بودجه:



آموزش شالوده کار در آموزش عالی است؛ چراکه ماده ۹۵ و ۹۶ برنامه هفتم توسعه به تخصص منابع دولتی برمی گردد و لازم است دیدگاه مشخصی درباره این حوزه داشته باشیم هر دو هم به اصل ۳۰ و هم به آمایش اشاره می کند. از طرف دیگر از سال ۹۴ بحث آمایش در کشور مطرح شد و قصد دارم در این گزارش نیز از منظر آمایش به موضوع ورود کنم. اصل ۳۰ قانون می گوید دولت موظف است وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی به طور رایگان گسترش دهد، بر روی این مسئله می توان سؤالات زیادی مطرح کرد. اول اینکه منظور از وسایل تحصیلات عالی چیست؟ تا امروز هم بحث های زیادی در این زمینه مطرح شده و مرکز پژوهش های مجلس نیز گزارش های متعددی منتشر کرده و پل های زیادی هم در این باره برگزار شده، اما هنوز به نتیجه قطعی نرسیده ایم. سؤال بعدی در این باره هم آن است که اصلاح سرحد خودکفایی چه معنایی می دهد؟ اگر به سال ۵۷ و ۵۸ برویم، سر حد خودکفایی را تربیت نیروی متخصص می دانم؛ چراکه دانشگاه ما در آن برهه آموزش محور بود و به همین دلیل نیز همه دیدگاه های ما مرتبط با همین حوزه بود.

مسئله دیگر بحث رایگان بودن است، سؤالی که اینجام مطرح می شود آن است که رایگان بودن باید برای دولت باشد یا برای همه؟ یعنی تنها شامل حال دانشجویانی می شود که به دانشگاه های دولتی می روند؟ اصلاح رابطه دولت با دانشگاه ها چگونه است؟ با این حال می توان تفسیر روزی از سرحد خودکفایی داشته باشیم؛ چراکه امروز دیگر سرحد خودکفایی تنها در حوزه آموزش نیست. به عبارت دیگر امروز دانشگاه های ما در نسل ۳، چهار و پنج است و به جایی رسیده ایم که دانشگاه ها باید در اقتصاد کمک کنند. البته خودکفایی هم واژه ای بود که در دوران بعد از انقلاب بسیار تأثیرگذار بوده، در حالی که امروز بیشتر روی واژه خودکفایی تأکید می شود.

می خواهم دو تجربه را هم در این زمینه مطرح کنم که به آن ها کالان پروژه می گویم و متأسفانه دو تجربه شکست خورده اند. تجربه اول قانونی است که می گوید به منظور برنامه ریزی و سیاست های مناسب تربیت نیروی انسانی هماهنگی با نیاز بازار کار و متناسب سازی منابع بین بخش های باید با اولویت نیاز آموزشی صورت گرفته و در همین راستا دولت باید یک برنامه ۱۰ ساله جامع نیروی انسانی را در حوزه آموزش عالی آماده کند. کاری که بعد از برنامه دوم توسعه شروع شده و پروژه هایی در این زمینه تعریف شدند، اما هیچ کدام برنامه محور نبودند. حالا دوباره همین کار را در ماده ۹۵ برنامه هفتم توسعه می خواهیم دنبال کنیم. اصلاح بحث اساسی آن است که می توانیم نیازمندی ها را بر اساس رشته و رشته محل تعیین و دنبال کنیم یا خیر؟ اصالتاً به این سمت رفته یا خیر؟ حتی اگر بخواهیم آمایش را هم مدنظر قرار دهیم، باید به این سؤال پاسخ داد که چگونه باید کار را دنبال کرد؟ یعنی دانشگاه ها هم باید آموزش محور بوده و هم به نیازهای آمایش پاسخ دهند و چه مدلی می تواند این مسئله را محقق کند؟ در اینجا باید نگاهی منطقی داشت. یعنی باید این را مالک قرار داد که در دانشگاه های دنیا در ارتباط با مناطق خود چطور می اندیشند و چطور آینده را می بینند؟ مسائل منطقی ای و مباحث آمایشی دو دهه است که در ادبیات دانشگاه ها وارد شده است.

امروز آموزش باید حلقه اصلی قرار بگیرد و پژوهش و فناوری باید در کنار آن، جا داده شوند. سازمان توسعه و همکاری اقتصادی می گوید که دانشگاه ها باید لانگ رانگ ها باشند یا مشخص کرده و لانگ رانگ را هم اشتغال منطقه ای قرار دهند تا بازار برای خود آموزش عالی شکل بگیرد. همچنین این سازمان معتقد است دانشگاه ها باید نیروی کار برای بازار منطقه ای تأمین کرده و در جریان نوآوری هم می گوید رسوخ دانش را باید در منطقه از طریق توانمندسازی نیروی انسانی دنبال کرد.

آموزش در دنیا

بر اساس تقاضای اجتماعی حرکت می کند

قطعا در دانشگاه به دنبال آتیم که بتوانیم پاسخ تغییرات فناوری، اجتماعی، جمعیتی و... را بدهیم و اگر می خواهیم دانشگاه را هدایت کنیم باید آن را به سمت بازار کار هدایت کرد؛ جالب اینجاست که بازار کار را هم همان آموزش هدف می گیرد. امروز هر چند فناوری و پژوهش مهم است، اما نباید بگذاریم که آموزش برای آن ها فدا شود. در دهه اخیر هم مطالعاتی صورت گرفته مبنی بر اینکه اصلا می توان پژوهش را جایگزین آموزش کرد و یا نوآوری را جایگزین این دو کرد؟ سؤال این است که وقتی ما آموزش را انتخاب می کنیم، یعنی از پژوهش و فناوری صرف نظر کرده ایم؟ هر چه مطالعاتی که در این زمینه صورت گرفته را مرور کردیم، نتیجه گیری اش آن بود که آموزش و پژوهش مکمل یکدیگرند و تنها تعداد معدودی مقاله داشتیم که بحث جایگزینی را در این زمینه مطرح می کردند. یعنی مقالات معتقد بودند اگر اسنادی کار پژوهشی می کند، این کار به حوزه آموزش همین استاد هم کمک می کند. همچنین آموزش و نوآوری هم مکمل یکدیگرند. یعنی انتخاب سرمایه انسانی و تربیت نیروی انسانی متخصص مبتنی بر نیازمندی ها در سطح منطقی ای، ملی و بین المللی یک هسته و پیشران اصلی در همه نسل های دانشگاهی است. بنده بر اساس یافته هایم، آموزش را در آموزش عالی برای انجام دو وظیفه دیگر یعنی

است که مطرح شدن بحث آموزش رایگان تا سرحد خودکفایی بر اساس اصل ۳۰ قانون اساسی در برنامه هفتم توسعه، موضوعی است که اسما و آگرهای زیادی را در این فضا به وجود آورده، اصلی که نگاه ها و تفسیرهای متفاوت نسبت به آن، روند اجرای آن را هم با چالش هایی همراه کرده است. نشست کارگروه باز طراحی نظام آمایش آموزش عالی بر مبنای اصل ۳۰ قانون اساسی در برنامه هفتم

دانشگاه ها هیچ گاه نمی توانند

نیروی آماده به کار مورد انتظار بازار را تأمین کنند

رشید زارع نهندی، معاون آموزشی دانشگاه تحصیلات تکمیلی علوم پایه زنجان:



وقتی می خواهیم آموزش را برای بازار کار تنظیم کنیم، مسئله مهم این است که بین آموزش و بازار کار از نظر زمانی فاصله نسبتاً زیادی وجود دارد. یعنی تا بازار کار را شناسایی و بعد آموزش را بر اساس آن تغییر دهیم، عملاً بازار کار تغییر کرده و این یک

(ماده ۹۶ بند الف) با حضور غلامرضا گرابی نژاد، پژوهشگر مرکز پژوهش های توسعه و آینده نگری سازمان برنامه و معاونین آموزشی دانشگاه های مختلف که ۲ آبان ماه در دانشگاه علامه طباطبایی برگزار شد، به چگونگی بهبود وضعیت دانشگاه های کشور با در نظر گرفتن برنامه هفتم توسعه پرداخت که در ادامه گزیده ای از این نشست را از نظرزنان می گذرانیم.

چالش اساسی است. تصور می کنم ما در آموزش یک هسته ای داریم که در رشته های مختلف تا سال ها تغییر نمی کند؛ هر چند شاید در این میان حلقه هایی مانند پارک های علم و فناوری بتوانند اثرگذار باشند، اما در اجرا می بینیم که باز هم نتوانستند به هدف اولیه شان در این زمینه برسند. نکته مهم این است که دانشگاه نمی تواند نیروی کار واقعاً آماده را به بازار کار برساند و نیازمند حلقه های واسطه ای ایم. مسئله دیگر بحث ورود استان ها به دانشگاه هاست و هزینه کرد یک درصدی از بودجه پژوهشی شان بوده که بسیار کم است، این مسئله باید حداقل ۱۰ برابر شود تا بتوانیم شاهد اثراتی در این زمینه باشیم.

پتانسیل اجرایی سازی دروس مهارتی در دانشگاه ها

وجود ندارد

مجتبی زنجیر، معاون پژوهشی و آموزشی دانشگاه فناوری های نوین امل:



در ساره بازنگری رشته ها، باید بگویم یک گارد عجیبی وجود دارد که مثلاً چرا باید دروس به سمت مهارتی برود. در حالی که

یکی از اقدامات خوبی که وزارت علوم داشت، این بود که دروس مهارتی و اشتغالزایی را به دانشگاه ها اضافه کرد. اما وقتی با دانشگاه ها صحبت می کردم، مسئولان معتقد بودند مثلاً در استان تهران دانشگاهی پتانسیل لازم را ندارد که بتواند دروس مهارتی را اجرا کند، اصلاً اداره این دروس یک معضل بسیار بزرگی است. ما تجربه ای که در دانشگاه خودمان در

دروس مهارتی داشتیم، آن بود که قبل از تدوین این دروس، به سمت اجرای آن ها حرکت کرده و تا حدودی هم موفق بودیم. اما معتقدم باید یک بازنگری برای کل کشور در این زمینه داشته باشیم و دروس نیز باید بر اساس مناطق و پتانسیل ها ارائه شود. یعنی وزارت علوم اگر می خواهد به معنی واقعی معضل را حل کند، باید بار دیگر دست به بازنگری در این زمینه بزند. نکته غیر قابل انکار آن است که ۳۰ تا ۴۰ درصد صنایع مان اصلاً تولیدی نیستند، به همین دلیل وقتی مهندسی را تربیت می کنیم اصلاً کارایی نخواهد داشت. نکته دیگر هم آن است که عضو هیئت علمی باید انگیزه کافی داشته باشد و وزارت علوم باید این کار را فراهم کند تا مثلاً این استادی که آموزش به روز دریا استادی که به مدل سابق دنبال می کند، تفاوتی وجود داشته باشد تا از این طریق همه اساتید به سمت کارهای به روز حرکت کنند.

زمان ایجاد دوباره آزمایشگاه های آموزشی در دانشگاه

فرارسیده است

محسن محمدی، معاون آموزشی و تحصیلات تکمیلی دانشگاه کیان:



ما یک سری شاخص ها مانند اشتغال پذیری را در نظر می گیریم، اما سؤال این است که مرجع چنین داده هایی کجاست؟ آیا اطلاعاتی که درباره فارغ التحصیلان می گیریم درست است؟ ما منابع مشخص و واقعی را در این زمینه نداریم و متأسفانه بسیاری از تصمیمات هم بر اساس داده هایی است که فاصله زیادی با واقعیت دارد. ما باید مدل آموزش محور

را در دانشگاه هایمان داشته باشیم و با وجود اینکه همه نیز به این مسئله تأکید دارند، اما واقعیتی که در دانشگاه می بینیم، اینکه چنین مدلی در دانشگاه ها دنبال نمی شود. شاید بسیاری از دانشگاه ها واحد هایی مانند اداری، ساخت و ساز و... را در اولویت اول شان قرار دهند، حتی در سال های اخیر پژوهش هم اولویت قرار گرفته است. ما در سال های اخیر بحث آزمایشگاه های جامع پژوهشی را داشتیم که رویکرد آن ها هم این است که دانشجویان تحصیلات تکمیلی نمونه رابیاورند و با استفاده از تجهیزات های تک به نتیجه برسند، اما برای مهارت محوری نیازمند آزمایشگاه های آموزشی ایم که سال هاست این آزمایشگاه ها در دانشگاه ها تعطیل شده اند. امروز زمان آن رسیده که آزمایشگاه های آموزشی در دانشگاه ها تأسیس شود.

سازوکار رسیدن به سرحد خودکفایی

در رشته ها را تعیین کنید

مسلم باقری، معاون آموزشی دانشگاه شیراز:



باید در تصمیمات مان نگاه سیستمی داشته باشیم. یعنی وقتی می گویند رشته ها را باید بر اساس نگاه بازار کار تنظیم کنیم، باید این مسئله را هم مالک قرار داد که در بازار کار عوامل سیاسی، اقتصادی و فرهنگی هم اثرگذار است و اینطور نیست که یک کمیته آمایش استان بتواند این کار را انجام دهد. خودمان در استان چنین کاری را کردیم اما امام جمعه شهر با این کار مخالفت کرد. یعنی اگر می خواهیم کاری انجام

دهیم باید نگاه سیستمی داشته باشیم. اینکه در پذیرش دانشجو به صورت استانی و بومی عمل نمی کنیم نکته جدی است که باید ملاک قرار بگیرد. از طرف دیگر برخی از رشته ها را اصلا نمی توان بر اساس بازار کار نگاه کرد. یعنی باید یک سری از رشته ها را از این امر مستثنی کرد. مسئله دیگر بحث حد خودکفایی است، یعنی تصور کنید الان فکر می کنیم بر اساس بازار کار یک سری رشته ها را تعطیل کنیم، مشکل حل می شود اما تحقق آن به دلیل عوامل سیاسی و اجتماعی و اقتصادی کار بسیار سخت و نیازمند یک عزم ملی است و امروز هم این عزم وجود ندارد. از این رو باید سازوکار سرحد خودکفایی را مشخص کرد و باید روی این زمینه بیشتر متمرکز شد تا بتوانیم به سازوکار مشخصی برسیم.

تصمیم های وزارت علوم

به صورت رفع تکلیفی در دانشگاه ها اجرا می شود

رحیم بیغان، معاون آموزشی دانشگاه شهید چمران اهواز:



مشکل اصلی دانشگاه ها در بحث آموزش همان بودجه است، یعنی ما برنامه به دانشگاه های ما داریم اما بودجه آن را مشخص نمی کنیم. این مسئله باعث شده که برای دانشگاه ها لحاظ شود، بلکه برای هر فعالیتی که می خواهیم تعریف کنیم باید

بودجه آن را هم در نظر بگیریم؛ چراکه دانشگاه ها از لحاظ امکانات، پرسنل و... به خصوص دانشگاه های استانی، فرسوده شده اند. به همین دلیل وقتی می گویند آزمایشگاه ها را به سمت صنعت ببریم، آن هم در حالی که به طور مثال من معاون در دانشگاه نمی توانم آزمایشگاه های خود را تجهیز کنم، عملاً این کار شدنی نیست. یعنی برنامه های خوب وزارت علوم وقتی ابلاغ می شود، به صورت رفع تکلیف از سوی دانشگاه ها اجرا می شود و عملاً باز خورد خوبی ندارد و علتش هم آن است که باید به فعالیت های وزارت علوم به صورت پروژه ای با بودجه مشخص نگاه کرد.